

Turkey's foreign policy towards Russia from 2016 to 2019

Abstract

The relations of countries can provide the ground for their cooperation or conflict based on the influence of norms, perceptions and perceptions between them. Relations between Turks and Russians have long been hostile. Among the Russians, the traditional image of Turkey has been a disturbing one. For this reason, there is a pessimistic view of relations with Turkey, especially among nationalists, in Russia, and they still see Turkey in the Western and American camps. Turkey-Russia relations have been based on the introduction of Turkey as a model for other countries, as well as Turkey's maximum benefit from economic interests, especially after the AKP came to power. Relationships that have undergone many changes, especially in the period 2016 to 2019. In this research, an attempt has been made to discover the commonalities and differences between the realities and processes of Turkish foreign policy in relation to the Tsarist government of Russia in the period 2016-2019 using the method of comparative analysis. The results showed that Turkey's foreign policy towards Russia has always been based on the national interests of Turkey. Although Turkey is considered a strategic and strategic partner for Russia due to the passage of Russian energy transmission lines through its territory, but wherever Turkey's national and economic interests have required, by turning to and falling into the arms of Tsarist Russia. Or the United States has tried to make the most of these benefits.

Keywords: Turkey, Russia, USA, Geopolitics, Middle East, Iran

ماهنامه علمی (مقاله علمی_ پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران،
سال پنجم، شماره ۵۵، دی ۱۴۰۱، صص ۲۶۰۹-۲۶۲۲
<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.312116.2538>

سیاست خارجی ترکیه در قبال روسیه از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

مجید محمدی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

احسان شاکری خوئی^۲

پرویز احدی^۳

محمد یوسفی جویباری^۴

چکیده

روابط ترک‌ها و روس‌ها از دیرباز در قالب روابط تخصص‌آمیز بوده است. در میان روس‌ها، تصویر سنتی ترکیه، تصویری نگران‌کننده بوده است. به همین دلیل در روسیه دیدگاه بدبینانه‌ای به ویژه در میان ملی‌گرایان نسبت به روابط با ترکیه وجود دارد و آن‌ها ترکیه را همچنان در اردوگاه غرب و آمریکا می‌بینند. روابط ترکیه و روسیه نیز بخصوص پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه بیشتر بر اساس معرفی ترکیه به عنوان یک الگو برای سایر کشورها و نیز بهره‌مندی حداکثری ترکیه از منافع اقتصادی پایه‌گذاری شده است. روابطی که بخصوص در بازه زمانی ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹ دستخوش تغییرات زیادی شده است. در این پژوهش سعی شده است با استفاده از روش تحلیل تطبیقی به کشف اشتراکات و افتراق‌های میان واقعیت‌ها و فرایندهای سیاست خارجی ترکیه در رابطه با دولت تزاری روسیه در بازه زمانی ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹ پرداخته شود. نتایج پژوهش نشان داد که سیاست خارجی ترکیه در قبال روسیه، همواره بر اساس منافع ملی کشور ترکیه رقم خورده است. هرچند که ترکیه با توجه به عبور خطوط انتقال انرژی روسیه از خاک این کشور، به عنوان یک شریک استراتژیک و راهبردی برای روسیه بشمار می‌آید اما هرکجا که منافع ملی و اقتصادی ترکیه اقتضا نموده است، با روی آوردن و افتادن در دامان روسیه تزاری یا ایالات متحده آمریکا، سعی نموده است که هرچه بیشتر به کسب این منافع اقدام نماید.

کلمات کلیدی: ترکیه، روسیه تزاری، ایالات متحده آمریکا، ژئوپلیتیک، خاورمیانه، ایران

دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران^۱

استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)^۲

استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران^۳

استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران^۴

بعد از روی کار آمدن حزبی اسلامگرا، در پهنه سیاست خارجی رویکرد و جهان‌بینی متفاوت از حکومت‌های پیشین بر دستگاہ دیپلماسی ترکیه حاکم شد. در واقع، حزب عدالت و توسعه در صدد بود به عنوان حزبی دارای خط‌مشی اسلامی، در عرصه سیاست خارجی در قیاس با حکومت‌های پیشین که خط‌مشی لائیک داشتند برنامه و استراتژی‌های متمایزی را ارائه کند. البته همه چیز محدود و مقید به جهت‌گیری اسلامی نیست. در این میان، رویکرد حاکم بر سیاست خارجی ترکیه در قالب دکترین عمق استراتژیک «احمد داوود اغلو» تحول عمیقی را در روند سیاست‌گذاری و جهت‌گیری سیاست خارجی دولت ترکیه به همراه داشته است. از نظر اغلو، نباید ترکیه را میان کشورهای وابسته به غرب یا حایل میان شرق و غرب دانست، بلکه ترکیه کشوری مرکزی است که از حوزه نفوذ قابل توجهی در مناطق جغرافیایی مجاور خود و حتی فراتر از آن برخوردار است. به طور کلی، دکترین عمق استراتژیک خواهان ایفای نقش بیشتر ترکیه در سطح بین‌المللی است و در چند سال اخیر، به دلیل موضع‌گیری‌های خاص نسبت به مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا، نوشتار حاضر را این پرسش اساسی راهبری می‌کند که مبنای و اصول دکترین سیاست خارجی ترکیه در قبال ابر قدرتی جهانی همچون روسیه از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹ چه بوده و به چه دلیل یا دلایلی این دکترین سیاست خارجی سبب تفاوت در قبال تعامل یا تعارض ترکیه در سیاست خارجی با این کشور شده است. همچنین محدودیت‌ها و ظرفیت‌های دولتمردان ترکیه برای رسیدن به اهداف مورد نظر در سیاست خارجی این کشور تبیین شده است و در نهایت به نقد تطبیقی منطق حاکم بر روابط آنکارا در قبال مسکو پرداخته شده است.

بیان مسئله

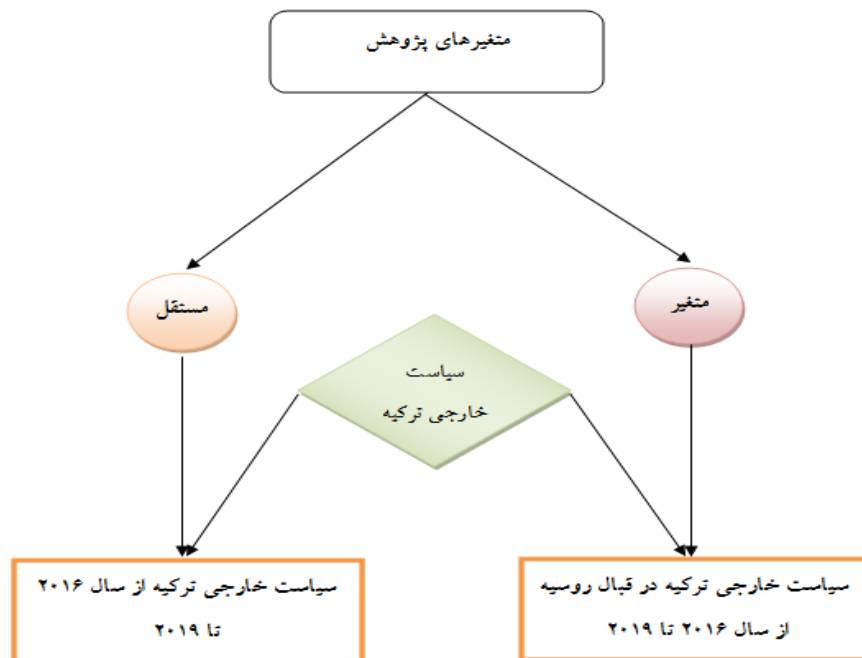
سیاست خارجی ترکیه طی سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹ فراز و فرود چشمگیری را در قبال روسیه و دیگر قدرتهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای تجربه کرده است. درباره رابطه ترکیه با روسیه این نکته حائز اهمیت است که تا قبل از سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹ و مشخصاً در آستانه تحولات موسوم به بهار عربی و در پاره‌ای از موارد تا بعد از آن مبتنی بر مواضع واگرایانه در قبال موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی بود. اما این روابط به طور فزاینده‌ای طی سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹ دستخوش تغییر شده است. به این ترتیب سیاست خارجی ترکیه در قبال روسیه طی سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹ در راستای مفروضه‌های نئولیبرالیسم و نئورئالیسم مبتنی بر الگوی همکاری و تعارض بوده است. این روابط در نتیجه الگوی همکاری و سنت نئولیبرالیسم موجب سیری صعودی در روابط دو کشور شده است و دو کشور در عین داشتن منافع متضاد، اراده خود را بر بسط و تعمیق روابط دوجانبه و گسترش همکاری‌های استراتژیک قرار داده‌اند. حفظ همکاری، تعقیب منافع مشترک، اعتقاد به وجود ارزش‌های جهانی مشترک اعتقاد به حفظ امنیت و حفظ صلح، تعقیب رویکردهای چند جانبه‌گرایانه و رویکردهای حقوق بین‌الملل تعامل‌گرایی از عوامل نزدیکی در روابط ترکیه و روسیه بوده است. به عبارتی دیگر وجود اعتقادات مشترک بر مفروضه‌های نئولیبرالیسم سبب شده است که روسیه

و ترکیه همکاری را بر تعارض در مناسبات همدیگر مقدم بدانند. جدای از الگوی همکاری در روابط ترکیه با روسیه برخی از نشانه‌های تعارض نیز در روابط مسکو-آنکارا بواسطه هدف قرار دادن جنگنده روسی توسط آنکارا در نوامبر ۲۰۱۵ دیده شده است. نشانه‌های تعارض در روابط ترکیه و روسیه در فاصله سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹ در راستای سنت نئورئالیسم تعبیر و تفسیر می‌شود. اعتقاد به یک جانبه‌گرایی و تقابل‌گرایی از عوامل تعارض در روابط ترکیه و روسیه در فاصله سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹ بوده است. به رغم آنکه حادثه سرنگونی جنگنده روسی توسط ترکیه واکنش روسیه را در بر داشته است اما روابط دو کشور به جهت نقش آن‌ها در بحران سوریه از سر گرفته شد و این دو کشور در پرتو بحران سوریه منافع نسبتاً همگنی را در خاورمیانه دنبال کردند. در این ارتباط تحولات و بحران سوریه علت العلل همکاری‌های استراتژیک روسیه و ترکیه در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی شده است. به واقع تحولات و بحران سوریه فاز جدیدی از الگوهای همکاری جویانه در روابط این دو کشور باز کرده است. این روابط حول بسیاری از مسائل منطقه‌ای و مناسبات تجاری و اقتصادی است. در سطحی دیگر برگزاری سه کنفرانس آستانه، سوچی و تهران بیانگر تعقیب منافع اشتراکی روسیه و ترکیه در بحران سوریه است. به واقع نتایج راهبردی سه نشست آستانه، سوچی و تهران موجب رفتارهای تقابلی در قبال ابرقدرتی همچون آمریکا نیز شده است. با توجه به آنچه بیان شد پژوهش حاضر تلاش دارد که سیاست خارجی ترکیه در قبال روسیه از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹ را در قالب سوالات زیر مورد بررسی قرار دهد.

سوال اصلی: سیاست خارجی ترکیه در قبال روسیه از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹ چگونه بوده است؟

سوالات فرعی: چه عامل یا عواملی موجب الگوی تعارض یا همکاری در سیاست خارجی ترکیه در قبال روسیه از فاصله سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹ شده است؟

در راستای موضوع و فرضیات پژوهش متغیر مستقل یا تبیین کننده و متغیر وابسته یا تبیین شونده از متغیرهای پژوهش هستند.



شکل ۱. نمایش تغییرهای پژوهش

ژئوپلیتیک و سیاست خارجی

ترکیه با نام رسمی جمهوری ترکیه، کشوری اوراسیایی است که بخش بزرگ کشور یعنی آناتولی یا آسیای کوچک در شمال غرب آسیا و خاورمیانه واقع است و بخش کوچکی نیز به نام تراکیه در منطقه بالکان منطقه‌ای در جنوب شرق اروپا قرار دارد. ترکیه در شرق با کشورهای ایران، جمهوری آذربایجان (از طریق هم‌مرزی با نخجوان)، ارمنستان و گرجستان؛ در جنوب شرقی با عراق و سوریه؛ و در شمال غربی (بخش اروپایی) با بلغارستان و یونان همسایه است. همچنین ترکیه از شمال با دریای سیاه، از غرب با دو دریای کوچک مرمره و اژه و از جنوب غرب با دریای مدیترانه مرز آبی دارد. دو تنگه راهبردی بسفر و داردانل نیز در اختیار ترکیه است. پهناوری ترکیه ۷۸۳۰۳۵۶ کیلومتر مربع (سی و هفتم امین کشور وسیع جهان) است. حکومت ترکیه لائیک است ولی بسیاری از مردم به دین اسلام پایبند هستند.

از مطالعه متون ژئوپلیتیکی چنین استنباط می‌شود که ژئوپلیتیک دارای مفاهیم متفاوتی چون دانش کسب قدرت، دانش رقابت و گسترش حوزه نفوذ، دانش تأثیر عوامل جغرافیایی بر سیاست و روابط دول، دانش مناطق بحرانی، دانش تحلیل نظام‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، دانش برخورد نظامی بر سر مرزها و ریشه‌یابی نزاع‌های مرزی و دانش کنترل مناطق استراتژیک می‌باشد. با اتمام جنگ سرد، ژئوپلیتیک بیش از گذشته به عنوان عاملی برای واقع‌گرایانه نمودن سیاست خارجی کشورها، به طور روزافزونی مورد توجه قرار گرفته است. عوامل جغرافیایی بی‌گمان در فرآیندهای سیاسی نقش داشته و موضوع قدرت را به عنوان شالوده علم سیاست تحت تأثیر قرار می‌دهند. فرآیندهای سیاسی نیز که در اشکال گوناگون تصمیم‌گیری به نمایش در می‌آیند، چشم‌انداز

محیط جغرافیایی کره زمین را تغییر می‌دهند. از دیدگاه نظری می‌توان به وجود یک رابطه پیچیده و متعامل میان مجموعه عوامل جغرافیایی و پدیده‌های سیاسی پی برد که امروزه موضوع دانش جغرافیای سیاسی و علم ژئوپلیتیک را تشکیل می‌دهد. با توجه به این اصل که سیاست خارجی یک کشور هنگامی طبیعی و حقیقی است که ادامه زندگی سیاسی و سیاست‌های داخلی آن کشور باشد، ژئوپلیتیک آن کشور تشکیل دهنده زندگی سیاسی-اقتصادی و منافع ملی آن کشور است و سیاست خارجی، در پیگیری همان منافع ملی در صحنه‌های فراملی، جنبه‌ای ژئوپلیتیک به خود می‌گیرد. رهیافت ژئوپلیتیک، رابطه جغرافیا و سیاست، و تأثیر عوامل جغرافیایی بر سیاست ملل مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. دولت‌ها عموماً با ملاحظه اوضاع جغرافیایی خود اقدام سیاست‌گذاری می‌نمایند. برخی ژئوپلیتیک را رابطه بین اوضاع جغرافیایی و سیاست خارجی کشورها می‌دانند و معتقدند ژئوپلیتیک مطالعه آثار و نتایجی است که عوامل جغرافیایی بر سیاست خارجی کشورها به جا می‌گذارد. عده‌ای نیز ژئوپلیتیک را رابطه بین عوامل جغرافیایی طبیعی و سیاست یک کشور می‌دانند. گروهی نیز معتقد هستند که ژئوپلیتیک رابطه جغرافیای طبیعی و انسانی بر سیاست داخلی و سیاست خارجی را مورد توجه قرار می‌دهد. توجه به موقعیت جغرافیایی علاوه بر اینکه ما را با نقاط ضعف و قوت کشور آشنا می‌سازد، باعث می‌شود که در اتخاذ خط مشی سیاسی به رفع کاستی‌ها پردازیم و از امکانات موجود، حداکثر بهره‌برداری را به عمل آوریم. ژئوپلیتیک در برداشت کلی به عنوان یک موضوع علمی مرکب از جغرافیا، تاریخ، علوم سیاسی، قدرت و روابط بین‌الملل می‌باشد و به قدرت در چارچوب جغرافیا، دریافت‌های محیطی، ایده دولت و به ویژه منطقه‌گرایی، قاره‌گرایی و جهان‌گرایی ژئوپلیتیکی دولت اشاره دارد و همچنین به نفوذ تعیین کننده محیط (یعنی عواملی مانند ویژگی‌های جغرافیایی، عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی) بر سیاست یک کشور دارد.

کشور ترکیه به سبب قرار گرفتن در یک شرایط جغرافیایی مناسب از موقعیت منحصر به فرد ژئوپلیتیک برخوردار می‌باشد که امتیاز ویژه‌ای را به این کشور در قیاس با دیگر کشورها می‌بخشد. ترکیه با قرار گرفتن در محور جهان شرق-غرب و در اختیار داشتن دو تنگه استراتژیک، همجواری با مناطق دارای منابع نفت و موقعیت ترانزیتی، متحد ناتو و کشوری با هویت اسلامی-ترکی، بی‌شک از ظرفیت ژئوپلیتیکی مهم و متعاقباً از توانایی تاثیرگذاری در مسائل منطقه‌ای و حتی جهانی برخوردار است. تمامی این عوامل در کنار یکدیگر می‌توانند ظرفیت و ارزش ژئوپلیتیک یک کشور را تقویت کنند که یکی بدون دیگری میسر نخواهد بود. ترکیه با استفاده از همین موقعیت ژئولیتیکی منحصر به فرد خود در یک دهه اخیر سعی نموده است با امتیازگیری‌های فراوان از دو ابر قدرت شرق و غرب عالم یعنی ایالات متحده آمریکا و روسیه تزاری به کسب حداکثری منافع ملی خود پردازد. با توجه به موقعیت استراتژیک ترکیه، از چند دهه قبل، رهبران ترکیه در راستای ایجاد مصونیت فیزیکی، اشاعه ارزش‌ها و سلامت اقتصادی کشور به طراحی استراتژی‌های متفاوتی اقدام کرده‌اند. در قرن نوزدهم استراتژی، خصلتی قاره‌ای و درونگرا داشت درحالیکه از قرن بیستم به بعد طبیعتی بین‌المللی یافته است. به دنبال رویارویی مستقیم شوروی و آمریکا به دنبال جابه‌جایی مرکز

ثقل قدرت، ترکیه با توجه به توانمندیهای داخلی و نحوه توزیع قدرت در سطح سیستم بین‌الملل، استراتژی سد نفوذ را دنبال کردند. با تغییر در ویژگی‌های ترکیه و دگرگونی در الگوهای قدرت، دولتمردان ترکیه جابجایی استراتژیهای کلان را برای تأمین هرچه مطلوب‌تر منافع ملی خود انتخاب کرده اند.



شکل ۲. سیاستهای آنکارا با رویکرد به نیازهای سه گانه امنیت ملی

سیاست خارجی ترکیه در قبال روسیه

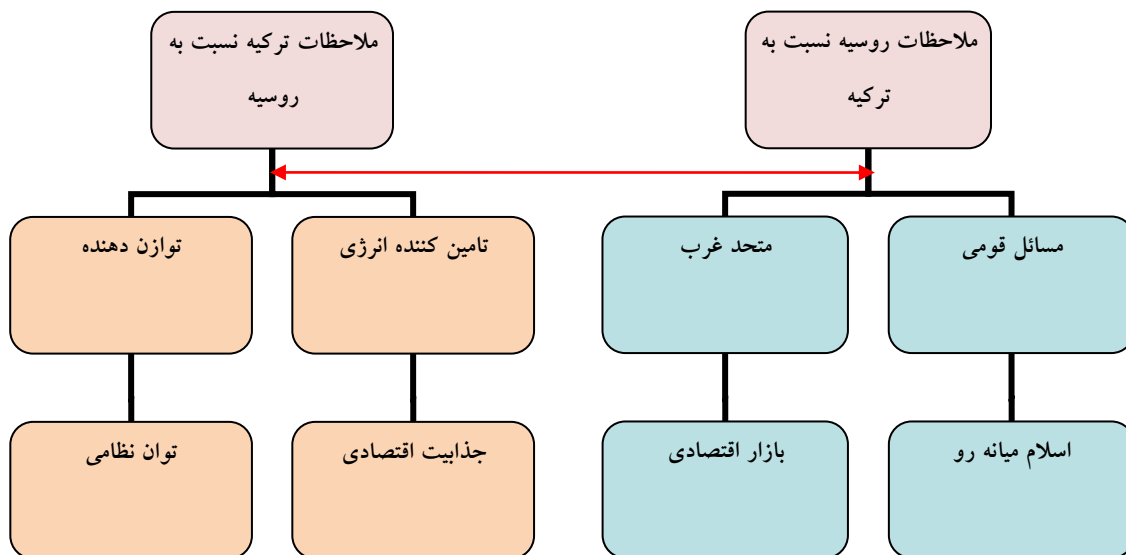
روابط روسیه و ترکیه از دوران امپراتوری تا دهه اخیر را در بهترین وجه، می‌توان روابط سینوسی و در قالب الگوی همکاری و تعارض تفسیر کرد. اما از زمان روی کار آمدن پوتین و اردوغان، علیرغم برخی چالش‌ها، روابط سیاسی و اقتصادی دو کشور به شدت گسترش یافته؛ به طوری که برخی معتقدند، این همکاری‌های سیاسی و اقتصادی می‌تواند زمینه رسیدن دو کشور به مشارکت استراتژیک در سطح کلان سیاسی را نیز به وجود آورد. آنچه مشهود است، روابط ترکیه و روسیه دارای ابعاد مختلفی است. ابعادی که هریک زمینه رقابت و یا همکاری بین دو کشور را فراهم می‌آورد؛ به عنوان مثال این دو کشور بُعد ژئواکونومیکی منافع مشترک و همگراکننده‌ای دارند، در حالی که در ابعاد سیاسی و ژئوپلیتیکی منافع آنها متضاد یا حداقل همگرایانه نیست. از سوی دیگر، در اینکه دو مؤلفه اقتصاد و سیاست در سطح روابط بین‌الملل به طور جدایی‌ناپذیری با یکدیگر ارتباط دارند، تقریباً هیچ شکلی وجود ندارد. اما مسئله و به عبارتی چالش اصلی در نوع ارتباط بین این دو مؤلفه در رابطه با این دو کشور است. به این

معنا که آیا اقتصاد زمینه همکاری و بهبود روابط سیاسی را در روابط این دو کشور به وجود می‌آورد یا برعکس، سیاست است که بازی در زمین اقتصاد را برای این دو فراهم می‌کند. بسیاری معتقدند وابستگی اقتصادی باعث همکاری سیاسی نیز می‌شود و در مقابل عده‌ای از وابستگی متقابل تنها به عنوان ابزار نام می‌برند. به این ترتیب می‌توان گفت که هیچ توضیح قاعده‌مند، یکسان و منظمی برای این نحوه ارتباط بین وابستگی اقتصادی و همکاری سیاسی وجود ندارد و تصاویر کاملاً متمایزی از این موضوع در روابط بین‌الملل ترسیم شده است. در این میان رئالیسم با اعتقاد به ناهماهنگ بودن منافع، تأکید بر منازعه آمیز بودن روابط بین‌الملل، بی‌اعتمادی و غیره، همکاری میان کشورها را بسیار مشکل و آن را تحت الشعاع ابعاد سیاسی قرار می‌دهد. برخلاف این دیدگاه، سطح استثنایی افزایش روابط تجاری و تسهیل روابط سیاسی دو کشور روسیه و ترکیه به ویژه در دو دوره زمانی بعد از سال ۲۰۰۲ و از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ یک چالش برای نظریه رئالیسم است.

دوره زمانی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ را می‌توان دوران تلاطم روابط روسیه و ترکیه تلقی کرد که در آن دو کشور گاهی در تعامل دوستانه و در مقاطعی در دو اردوگاه مخالف باهم قرار داشتند. اولین دلیل آن هم اتخاذ سیاست‌های تجدیدنظرطلبانه ترکیه در قفقاز و دریای سیاه در سال ۲۰۱۱ بود؛ چراکه روسیه خواستار عدم تزلزل وضع موجود در منطقه بود، در حالی که ترکیه از رویکرد تغییر وضع موجود حمایت می‌کرد. از سوی دیگر مناقشه قره‌باغ در آن سال‌ها باعث قرار گرفتن دو کشور در دو جبهه مقابل یکدیگر شد. به موازات این تحولات، تغییرات خاورمیانه و موج خیزش‌های انقلابی بار دیگر دو کشور را در دو جبهه مخالف قرار داد. ترکیه از یک رویکرد تجدیدنظرطلبانه از نیروهای معارض حمایت می‌کرد، در حالی که روسیه پیگیر حفظ وضع موجود در منطقه بود. طی این دوره، سال ۲۰۱۵ را می‌توان اوج تلاطم بحرانی روابط بین ترکیه و روسیه نامید؛ چراکه در تاریخ ۲۴ نوامبر این سال، یک فروند هواپیمای روسی به وسیله جنگنده اف-۱۶ نیروی هوایی آنکارا مورد حمله و سقوط قرار گرفت. پس از این حادثه و قطع روابط دو کشور، اردوغان ۲۷ ژوئن ۲۰۱۶ در نامه‌ای رسمی به پوتین، با ابراز تأسف از سرنوشتی جنگنده روس و غیرعمدی خواندن آن، به دلجویی از روسیه پرداخت. در ادامه این روند با برکناری احمد داود اوغلو، معمار سیاست خارجی و نخست وزیر ترکیه و روی کار آمدن بینالی ییلدیریم، نخست وزیر جدید، تغییرات مهمی در کادر سیاسی و دیپلماسی ترکیه انجام گرفت و بعد از این تغییرات زمره‌هایی در خصوص عزم آنکارا برای بهبود روابط با روسیه، جدی و روند عادی-سازی روابط دو کشور آغاز شد. به طوری که رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه بعد از دستگیری کودتاگران و برقراری ثبات سیاسی در داخل ترکیه، اولین سفر خارجی خود را به روسیه اختصاص داد. اردوغان در ۸ آگوست ۲۰۱۶ در شهر سنپترزبورگ روسیه با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور این کشور دیدار کرد. این دیدار وضعیت جدیدی در روابط آن‌ها به همراه داشت و نشان داد دو طرف تمایلی به ادامه قطع روابطشان ندارند. این تمایل به تغییر را می‌توان نقطه آغاز حرکت از دشمنی به سوی تعامل و دوستی تلقی کرد. می‌توان گفت که روابط سیاسی ترکیه و روسیه هیچگاه از ثبات و یکدستی برخوردار نبوده و

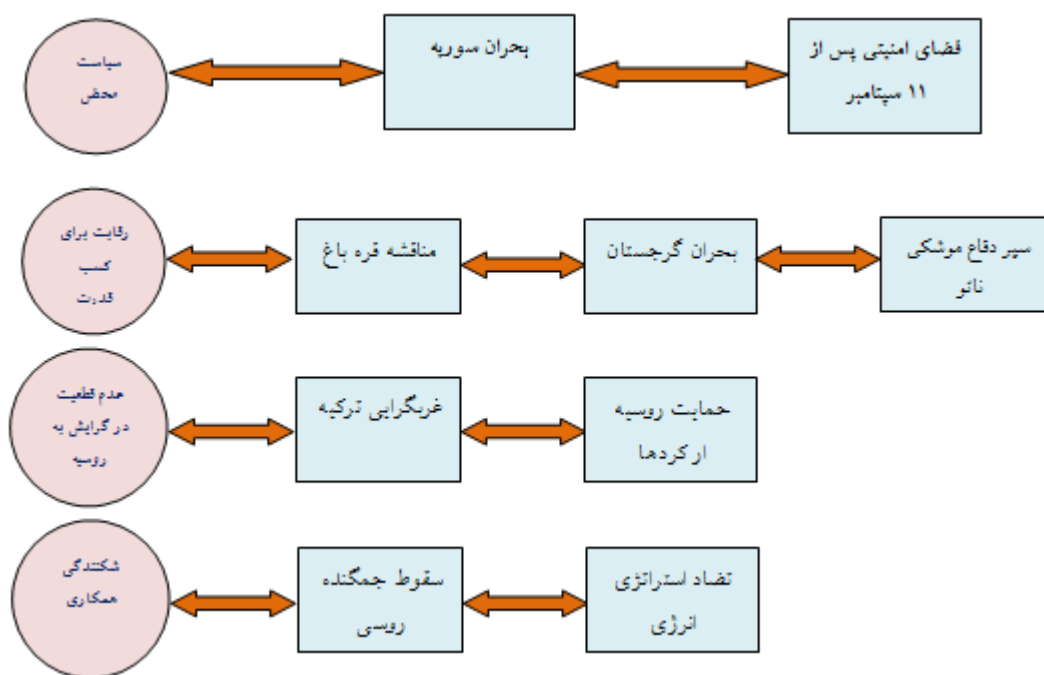
همواره به صورت حداکثری در قالب دشمنی بوده و در حداقل، این دو کشور رقابت شدید داشته‌اند. اما با وجود این، دو کشور به دلیل ملاحظاتی که نسبت به یکدیگر داشته‌اند، بسیار محتاط عمل می‌کنند.

علیرغم برجستگی روابط سیاسی مبتنی بر تنش در روابط روسیه و ترکیه، تعاملات اقتصادی همواره محرکی برای غلبه بر این تنش میان دو کشور بوده است. به واقع این عامل در دوران تنش سیاسی برانگیزاننده تمایل دو کشور به ایجاد روابط دوستانه بوده است. بر همین اساس است که ایگور تورباکوف اندیشمند علوم سیاسی روسی، این روابط را دوگانه سیاسی توصیف می‌کند. به این معنا که با وجود همه اختلافاتی که بین دو کشور وجود دارد روابط اقتصادی عمیق و گسترده‌ای بین آن‌ها در جریان است. روابط اقتصادی دو کشور، به ویژه در دهه اول قرن ۲۱ نتیجه عواملی نظیر کاهش سوءظن طرفین نسبت به یکدیگر و عدم وجود اختلافات عقیدتی میان آن‌ها بود. از این رو نواقصی که پس از فروپاشی اتحاد شوروی در روابط روسیه و ترکیه وجود داشت کم‌رنگ شد و هر دو کشور در فضای عظیم اوراسیا به سمت همکاری پیش رفتند. روی کار آمدن پوتین نقطه عطفی در گسترش روابط اقتصادی دو کشور بود. پوتین ترکیه را یک شریک سنتی و مهم اعلام و تمایل خود را برای ارتقای روابط به یک سطح مشارکت استراتژیک ابراز کرد. به این ترتیب سطح تجارت و مبادلات اقتصادی دوجانبه ترکیه و روسیه به شدت افزایش یافت. به عنوان مثال بین دو کشور قراردادی در خصوص احداث نیروگاه هسته‌ای در منطقه آک کویو به امضا رسید که در اکتبر سال ۲۰۱۰ میلادی اجرایی شد. در این دوران با توجه به این واقعیت که تجارت دوجانبه بین دو کشور بر اساس کالاهای استراتژیک مانند انرژی، سلاح و کشاورزی و غذا بوده است، هر دو کشور وابستگی اقتصادی خود را با یکدیگر داشتند. در راستای این روابط در آوریل ۲۰۱۱ برنامه مشترک توریسم و سفر شهروندان دو کشور بدون ویزا به امضا دو طرف رسید. اما با وجود وحدت نظر رهبران دو کشور در حوزه‌های اقتصادی، این روابط تحت الشعاع تحولات سیاسی قرار گرفت، که اوج آن سرنگونی هواپیمای روسی توسط ترکیه بود. این اتفاق باعث شد مردم روسیه احساس کنند که غرور ملی آن‌ها مورد حمله قرار گرفته و خواستار اقدام در این زمینه شدند. از این رو پوتین این کار را در سطح اقتصادی آغاز و اقدام به تحریم اقتصادی ترکیه و قطع کانال‌های گردشگری و صادرات کرد.



شکل ۳. ملاحظات دوجانبه روسیه و ترکیه نسبت به یکدیگر در یک دهه اخیر

سیاست خارجی ترکیه در بازه زمانی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹ در قبال روسیه و بالعکس را می‌توان در چهار حوزه اصلی که مقدمات این دو کشور در قبال یکدیگر به شمار می‌آیند مورد بررسی قرار داد. برخی سیاستمداران معتقدند که دولت‌ها برای تحکیم همکاری‌های سیاسی و امنیتی از ابزارهایی همانند اقتصاد استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر منافع سیاسی باعث همکاری دولت‌ها در حوزه اقتصادی نیز می‌شود. روابط متقابل اقتصادی روسیه و ترکیه نیز برپایه این مفروض قابل فهم است. بدین معنا که بعد از همگرایی منافع سیاسی و امنیت منطقه‌ای بین دو کشور، رهبران روسیه و ترکیه برای تداوم همکاری و جلوگیری از تعارض‌های سیاسی بالقوه از استراتژی نیازهای متقابل اقتصادی به نحو مطلوب بهره گرفته‌اند. بنابراین اگرچه رشد تجارت و همکاری سیاسی مسکو و آنکارا بصورت یکباره و در یک زمان آغاز شده است، اما این بدین معنا نیست که تجارت متغیر اصلی در ایجاد همکاری سیاسی بین دو کشور بوده است؛ بلکه زمینه استراتژیک مشترک (سیاسی امنیتی) باعث ایجاد این روابط متقابل اقتصادی شده است. از این منظر، به قدرت رسیدن اردوغان در ترکیه و تغییر در سیاست خارجی ترکیه از مهمترین علل تغییر در روابط ترکیه با روسیه بود؛ چراکه سیاست خارجی فعال و پویای ترکیه که به «نئوعثمانیسم» معروف شده است، درصدد کاهش اختلافات خود با همسایگان یا به صفر رساندن آن‌ها بوده و همین نگرش در سوی دیگر از مسکو صادر شده است. بر این اساس، تجارت و وابستگی متقابل با ایفای نقش میانجی نه علت اصلی همکاری سیاسی، بلکه ابزاری برای تقویت و تداوم روابط سیاسی روسیه و ترکیه بوده است که می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:



شکل ۴. مقدمات سیاست خارجی ترکیه در قبال روسیه در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹

✓ جو شکل گرفته بخاطر حوادث تروریستی یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱، موضوعاتی همچون محور شرارت و احتمال بالای درگیری در خاورمیانه سبب گردید انکارا به رویکرد افزایش سطح همکاری‌ها با قدرت‌های منطقه‌ای از جمله کشور روسیه روی آورد. زیرا حفظ امنیت و ثبات منطقه‌ای هم برای روسیه و هم کشور ترکیه منافع مشترک زیادی به همراه داشت. بیشترین همکاری‌ها در این زمینه در بازه زمانی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ اتفاق افتاده است.

این گفته "چاکماک اوغلو" وزیر دفاع ملی ترکیه که ترکیه در مرکز منطقه‌ای پر از بی‌ثباتی و عدم قطعیت واقع شده، بالاترین نمود حضور این دو عنصر در گفتمان سیاست خارجی این کشور است. بنابراین ترکیه به طور قطع هیچگاه نمی‌تواند به آسانی و اطمینان کامل روابط خود را با روسیه، آن هم روسیه‌ای که روابط مبتنی بر دشمنی با ترک‌ها داشته است برقرار کند؛ به ویژه با نگرانی‌های امنیتی که همواره در روابط دو کشور وجود داشته حضور و نفوذ این دل‌نگرانی‌ها را در روابط با روسیه بیش از پیش هویدا می‌کند. از سوی دیگر همین عدم قطعیت و بی‌اعتمادی حتی با شدت بالاتری نیز در سیاست خارجی روسیه نسبت به ترکیه به چشم می‌آید. چراکه دولت روسیه از ابتدا با وضعیتی بین ترس از آسیب‌پذیری و تمایل برای دستیابی به امنیت بیشتر در نوسان بوده است و این فرهنگ راهبردی، سیاست روسیه را تا حد زیادی نظامی و امنیتی کرده و در این فرهنگ راهبردی مؤلفه‌های بسیاری برای ایجاد بی‌اعتمادی نسبت به ترکیه به عنوان رقیب منطقه‌ای و متحد غرب وجود دارد. از مهمترین شواهدی که به عنوان عوامل ایجاد بی‌اعتمادی و عدم قطعیت در روابط سیاسی دو کشور می‌توان به آن‌ها اشاره کرد عبارت است از:

✓ روسیه گرایش ترکیه به غرب را بازی برابر صفر تلقی می‌کند و در نتیجه معتقد است ترکیه به دلیل روابط نزدیک با غرب و آمریکا هرگز نمی‌تواند شریک راهبردی مطمئنی برای روسیه باشد.

✓ آنکارا در رابطه با دیدگاه مسکو درباره کردها در بی‌اعتمادی کامل به سر می‌برد. زیرا روس‌ها همواره با کردها روابط صمیمی و نزدیک دیپلماتیک و نظامی داشته‌اند.

با توجه به موارد ذکر شده، سیاستمداران معتقدند حتی در موارد منجر به همکاری، این همکاری‌ها بسیار آسیب‌پذیر و شکننده است. از این رو، از آنجا که دولت‌ها مزایای همکاری را در بلندمدت کم می‌دانند، تلاش دارند تا وابستگی خود را به دیگران به حداقل برسانند. لذا عواملی مانند تأکید بر حاصل جمع صفر برای نفوذ بین دولت‌ها به جای همکاری، تأکید بر اهمیت موقعیت جغرافیایی در سیاست خارجی، تأکید بر تفاوت‌های فرهنگی روسیه و تعریف خود به عنوان یک قدرت بزرگ جهانی بر پایه رویکرد واقع‌بینی بین‌المللی، باعث شده تا رهبران ترکیه همواره انگاره شکننده بودن همکاری با روسیه را در اتخاذ رویکردها نسبت به این دولت در نظر بگیرند. از طرف دیگر، سیاست خارجی چند بُعدی ترکیه با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه اگرچه زمینه کاهش تنش با همسایگان را به همراه داشت، اما در قالب پیگیری نوع‌ثمنی‌گرایی به بازتعریف الزامات سیاسی و امنیتی خود و در نتیجه توجه و تمرکز جدی بر مناطق پیرامونی از جمله قفقاز پرداخت، که این برای روسیه به معنای تلاش در جهت تعمیق نفوذ ترکیه و کاهش نفوذ روسیه بخصوص در این مناطق است.

از آنجاکه در اسناد سیاست خارجی مصوب ۱۹۹۳ مسکو به صراحت تأکید کرده که تمام خاک شوروی، دامنه حیاتی کشور روسیه است و منافع ملی روس‌ها به هیچ عنوان نباید نادیده گرفته شود. یکی از موارد بسیار مهم که روابط سیاسی-اقتصادی بین دو کشور روسیه و ترکیه را تحت الشعاع قرار داده است، رقابت منطقه‌ای بین ترکیه و روسیه در جهت کسب و افزایش قدرت بخصوص در حوزه قفقاز و آسیای میانه است. لذا توجه و اعتقاد به منطقه خارج نزدیک، با روی کار آمدن پوتین افزایش یافته است. اعتقاد پوتین به این رویکرد به اندازه‌ای بوده که فروپاشی شوروی را فاجعه ژئوپلیتیک قرن نامیده است.

بنابراین تمرکز روسیه جهت بازگردانی قدرت تاریخی این کشور در برابر قدرت‌های منطقه‌ای بخصوص کشور ترکیه بسیار بیشتر شده است. چنین دیدگاه رقابتی، از جانب آنکارا و رهبران حزب حاکم نیز با قدرت دنبال می‌شود، به خصوص که سیاست‌های نوین ترکیه در جهت تبدیل به الگویی منطقه‌ای بنا شده است. اصلی‌ترین مثال‌های رقابت دو کشور در ادامه بیان شده است:

✓ مناقشه قره‌باغ: این مناقشه با جنگ میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان در اواخر سال ۲۰۲۰ و حمایت‌های بی‌دریغ ترکیه از جمهوری آذربایجان در نهایت با میانجیگری روسیه و ترکیه سبب انعقاد پیمان صلحی شکننده میان دو طرف درگیر گردید. پیمانی که سبب نفوذ هرچه بیشتر ترکیه در منطقه قفقاز و آسیای میانه خواهد شد. لازم به ذکر است که کوتاه آمدن روسیه در بحث مناقشه قره باغ در مقابل حمایت‌های بی‌دریغ ترکیه از جمهوری آذربایجان، در حقیقت بحث

آذربایجان و ارمنستان نبود و بیشتر اتصال زمینی و هوایی کشور ترکیه با اکثر کشورهای ترک زبان مجاور دریای خزر بود. ترکیه با چراغ سبز روسیه صاحب این امکان شد که از نفوذی بالا در بین حکومت‌های ترک زبان آسیای صغیر پیدا کرده و در قبال آن روسیه هم توانست با این امتیاز دهی، نفت و گاز خود را از خاک ترکیه به اروپا با اطمینان و در دسر کمتری جابجا و صادر نماید. همچنین، اضافه بر اختلافات و درگیری‌های قره باغ، جمهوری ترکیه همیشه مایل است که مناقشات منطقه‌ای مرتبط با روسیه و کشورهای مجاور آن لاینحل باقی بماند تا از طریق حمایت یا عدم حمایت از این مناقشات بتواند امتیازات بیشتری از روسیه دریافت کند.

نتیجه‌گیری

در دنیای امروز، فعالان سیاسی بر مبنای اصول و قواعدی که براساس سابقه تمدنی و تاریخی و چارچوب فرهنگی است، تصمیمات خود را اتخاذ می‌کنند. و این یعنی اینکه چنانچه یک کشور یا حکومت، خود را دوست، متخاصم و یا رقیب دیگری بداند، اختلاف زیادی در نحوه ارتباط آن‌ها می‌گذارد. در واقع روابط کشورها می‌تواند بر مبنای تأثیر هنجارها، تصورات و برداشت‌های بین آن‌ها زمینه همکاری یا تعارضشان را فراهم کند. این به معنای تأثیر تاریخی ماهیت روابط دوستانه یا خصمانه بین دو کشور است. بر اساس این اصل، روابط ترک‌ها و روس‌ها از دیرباز در قالب روابط متخاصم‌آمیز بوده است. بر مبنای این تخاصم، در میان روس‌ها، تصویر سنتی ترکیه تصویری نگران‌کننده بوده است. به همین دلیل در روسیه دیدگاه بدبینانه‌ای به ویژه در میان ملی‌گرایان و چپ‌های کمونیسم نسبت به روابط با ترکیه وجود دارد؛ چراکه آن‌ها ترکیه را همچنان در اردوگاه غرب و به ویژه آمریکا می‌بینند. از سوی دیگر، در ترکیه نیز به دلیل جنگ‌های تاریخی عثمانیان با تزارها و همچنین خاطرات منفی دوران جنگ سرد، به روسیه به عنوان کشوری متخاصم نگریسته می‌شود. به همین دلیل بسیاری از ترک‌ها، روابط مسکو و آنکارا را به هیچ‌وجه نمی‌پذیرند. بنابراین نمی‌توان نقش و تأثیر این نگرش‌های ذهنی به ویژه در هنگام وقوع تنش بین دو کشور را نادیده گرفت. ایفای نقش بازیگران غیردولتی در گسترش روابط دوجانبه ترکی روسی به ویژه در ترکیه آن هم از زمان روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه و به ویژه در بازه زمانی سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹ و با روی کار آمدن دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا، بسیار محسوس بوده است؛ چراکه حضور سازمان‌های داخلی در عرصه سیاست خارجی یکی از اصلی‌ترین مبانی سیاست خارجی ترکیه بوده است. در واقع با به حکومت رسیدن حزب عدالت و توسعه، سیستم بسته و غیرمنعطف سیاست‌گذاری خارجی با حضور گروه‌های غیرنظامی و فعالیت گروه‌ها و انجمن‌های مدنی و دانشگاهی تبدیل به سیستم باز و دموکراتیکی گردید که بسیاری از تصمیمات در آن تحت تأثیر گروه‌های غیرسیاسی اتخاذ می‌شود. رفته رفته نقش سازمان‌های غیردولتی در این سیستم پررنگ شده؛ به طوری که سیاست خارجی ترکیه بیش از همه به یک سیاست اقتصاد محور تبدیل شده است. در نتیجه این فرایند، سازمان‌های غیردولتی، جامعه مدنی و اتاق‌های فکر، فرایند سیاست‌گذاری در ترکیه را تشکیل می‌دهند.

دولت ترکیه با تأکید بر منافع مشترک آنکارا و مسکو سعی دارد تا روابط دو کشور مجدداً به یک وضعیت بحرانی بازنگردد.

موضوع خرید موشک‌های اس-۴۰۰ از روسیه به رغم اعتراضات آمریکا نشان دهنده اهمیتی است که ترکیه به روابط خود با روسیه قائل بوده است. علاوه بر این از احتمال همکاری دو کشور در زمینه صنایع دفاعی سخن گفته می‌شود. از سوی دیگر دو کشور در حال انجام یک پروژه مشترک در زمینه انرژی هسته‌ای هستند و روسیه نیز می‌خواهد تا توانایی خود در زمینه پروژه انرژی هسته‌ای را اثبات کند. طبعاً این دو زمینه همکاری به اقتصاد بد روسیه نیز کمک می‌کند. از نظر انرژی، دو کشور تقریباً به یکدیگر احتیاج دارند. ترکیه، یکی از مهمترین خریداران گاز طبیعی از روسیه است. به همین دلیل مشتری ارزشمندی برای روسیه محسوب می‌شود. اما در عین حال بخشی از گاز روسیه از طریق ترکیه به اروپا منتقل خواهد شد. بنابراین یک وابستگی متقابل وجود دارد. ضمن اینکه ترکیه، بهشت ارزانی برای گردشگران روس است. گردشگران روسیه از نظر تعداد در ترکیه در مقام نخست قرار دارند. مسئله سوریه یکی از مهمترین زمینه‌های مشترک همکاری میان دو کشور است هرچند که بین این دو بازیگر اختلاف نظر وجود داشته باشد. هرگاه سیاست خارجی ترکیه به سمت غرب حرکت کرده، تنش‌های سیاسی و امنیتی با روسیه پدیدار گشته‌اند و بالعکس، هرگاه گرایش سیاسی ترکیه بسوی بلوک شرق جهت پیدا کرده است، ارتباطات دو کشور روسیه و ترکیه بسمت بهبود شرایط و گرم شدن پیش رفته است.

منابع

- احمدی، محسن (۱۳۹۲). موضع آتی شیعیان عراق در برابر کشورهای همسایه، تهران: مرکز نشر تاریخ معاصر ایران.
- الهی، اکبر (۱۳۸۴). روابط خارجی ایران (بعد از انقلاب اسلامی)، تهران: انتشارات آوای نور
- بروملی، روی (۲۰۱۵). فرهنگ روابط بین‌الملل. ترجمه حسن پستا، تهران: فرهنگ معاصر
- رمضانی، رحمت (۱۳۸۹). ژئوپلیتیک دریای خزر و واگرایی کشورهای ساحلی، دومانه‌نامه سیاست‌های آسیا و اروپا، شماره ۹۳، فصل بهار ۱۳۹۵.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۰). قدرت‌های نوظهور در دوران گذار نظام بین‌الملل. فصلنامه روابط خارجی، شماره ۱، سال ۵، صص ۱۸۶-۲۱۵
- محمدی، مجید و روح الله تقی زاده (۱۳۹۳). قش تغییر تحولات توسعه سیاسی ترکیه در رشد اقتصادی این کشور (۱۹۸۳-۲۰۱۰). انتشارات جاوید علم، چاپ اول. تهران.

Abushov, K. (2019). Russian foreign policy towards the Nagorno-Karabakh conflict: prudent geopolitics, incapacity or identity?. *East European Politics*.

Aktürk, Ş. (2019). Relations between Russia and Turkey before, during, and after the failed coup of 2016. *Insight Turkey*, 21(4), 97-114.

Bingöl, O. (2019). Changing Balancing Behaviors in Turkish Foreign Policy During AKP Period (2002-2019). *Gazi Akademik Bakış*, 13(25), 53-7۷.

- Bingöl, O. (2019). Changing Balancing Behaviors in Turkish Foreign Policy During AKP Period (2002-2019). *Gazi Akademik Bakış*, 13(25), 53-77.
- Demir, M. (2019). *The Geopolitics of Turkey–Kurdistan Relations: Cooperation, Security Dilemmas, and Economies*. Rowman & Littlefield.
- Dursun-Özkanca, O. (2019). *Turkey–west relations: The politics of intra-alliance opposition*. Cambridge University Press.
- Erşen, E., & Çelikpala, M. (2019). Turkey and the changing energy geopolitics of Eurasia. *Energy Policy*, 128, 584-592.
- Haugom, L. (2019). Turkish foreign policy under Erdogan: A change in international orientation?. *Comparative Strategy*, 38(3), 206-223.
- Kuşku-Sönmez, E. (2۰۱۹). رابطه های سطح بالا جلسات مجلس حکومت حزب جمهوری آباد ترکیه: جلسات مجلس حکومت حزب جمهوری آباد ترکیه
high-level meetings of the AKP government. *Turkish Studies*, 20(3), 377-4۰۲.
- İnan, R. Ü. M. A., & Çelikpala, M. (2019). Russian and Turkish foreign policy activism in the Syrian theater. *Uluslararası İlişkiler Dergisi*, 16(62), 65-84.
- Oğuzlu, H. T. (2020). Turkish Foreign Policy in a Changing World Order. *All Azimuth: A Journal of Foreign Policy & Peace*, 9(1).
- Tür, Ö. (2019). Turkey's role in Middle East and Gulf security. *Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies*, 13(4), 592-603.
- Unver, H. (2019). Russia has won the information war in Turkey. *Foreign Policy*, 21.
- Üngör, Ç. (2019). Heading towards the East?: Sino-Turkish relations after the July 15 coup attempt. In *Turkey's Pivot to Eurasia* (pp. 64-۷۸). مجله مطالعات بین‌المللی ترکیه.
- Ülgül, M. (2019). Erdoğan's personal diplomacy and Turkish foreign policy. *Insight Turkey*, 21(4), 161-182.
- Valiyev, A., & Mamishova, N. (2019). Azerbaijan's foreign policy towards Russia since independence: compromise achieved. *Southeast European and Black Sea Studies*, 19(2), 269-۲۹۱.
- Wei, M. (2019). Turkish foreign policy towards the Syrian crisis: Dynamics of transformation. *Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies*, 13(3), 462-۴۷۷.